

تأثیرگذاری ژئوپلیتیک انرژی بر تأمین امنیت منطقه‌ای جنوب آسیا با تأکید بر نقش هند و چین در قرن ۲۱

مرجان بدیعی ازنده‌ی^۱ - استادیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

بهادر زارعی - دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

معین برزگرزاده زرنیدی - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۶

چکیده

منطقه جنوب آسیا با نزدیک به دو میلیارد نفر جمعیت در سال ۲۰۲۱، به‌عنوان یک حوزه ژئوپلیتیکی مستقل همواره یکی از کانون‌های تنش در سیاست جهانی بوده است. در چند دهه اخیر، با گسترش رشد اقتصادی کشورهای منطقه و افزایش تقاضا برای واردات و مصرف انرژی، کشورهای جنوب آسیا کوشیده‌اند ترتیباتی مدنظر قرار دهند که بیش از هر چیز تأمین‌کننده منافع ملی آن‌ها باشد. در این راستا، مسئله امنیت در این منطقه به دلیل حضور دو کشور هسته‌ای یعنی هند و پاکستان و نیز چین (در شرق آسیا) که دارای تعارض منافع گسترده‌ای با یکدیگر هستند؛ به یک موضوع حیاتی برای کشورهای عضو منطقه و دیگر کشورهای جهان تبدیل شده است. به‌ویژه آن‌که رشد هم‌زمان هند و چین، یک عامل اساسی برای درک بهتر قرن بیست و یکم است. این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی به این مهم می‌پردازد که چگونه انرژی بر فرایند امنیت منطقه‌ای جنوب آسیا تأثیر گذاشته است؛ و چگونه چین و هند در این باره به نقش‌آفرینی می‌پردازند. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد عواملی همچون تعارض منافع، رقابت‌های ژئوپلیتیک، کشمکش‌های سرزمینی موجب شده‌اند تا چین و هند در راستای توسعه اقتصادی هر چه بیشتر خود اقدام به گسترش حوزه نفوذ در فراتر از مرزهای ملی خود نمایند تا شرایط لازم برای تأمین منافع خود به‌ویژه در حوزه انرژی موردنیاز را فراهم آورند. این امر موجب شده است امنیت منطقه‌ای در این بخش از جهان بیش از گذشته شکننده و در معرض تهدید قرار گیرد.

واژگان کلیدی: جنوب آسیا، امنیت منطقه‌ای، انرژی، ژئوپلیتیک هند و چین.

مقدمه

منطقه جنوب آسیا که متشکل از هشت کشور افغانستان، بنگلادش، بوتان، هندوستان، مالدیو، نپال، پاکستان و سری‌لانکا است، یکی از کانون‌های اصلی مصرف انرژی در قرن بیست و یکم است که مسئله امنیت انرژی در آن به سبب طیف متنوعی از عوامل جمعیتی، اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک اهمیت بسزایی دارد. این منطقه ژئوپلیتیک ۵۱۳۴۶۴۱ کیلومترمربع^۱ از مساحت کره زمین (برادناک و ویلیامز، ۲۰۱۴: ۶۷) را داراست، و بر اساس آخرین برآورد سازمان ملل در ۲۲ ژانویه ۲۰۲۱ بیش از ۱،۹۵۲ میلیارد نفر از جمعیت جهان را در خود جای‌داده است (۲۴،۸۹٪ جمعیت کل جهان). تراکم جمعیت در این منطقه ۳۰۳ نفر در کیلومترمربع است، ۳۶،۶٪ جمعیت منطقه جنوب آسیا شهرنشین هستند و میانگین سنی جمعیت ۲۷،۶ سال است (وردمتریکس. اینفو، ۲۰۲۱). در بحث تولید ناخالص داخلی، بیش از ۳۳۲۶ میلیارد دلار از تولید ناخالص داخلی جهان (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۲۰) به کشورهای منطقه جنوب آسیا تعلق دارد. مسائلی نظیر سرعت رشد اقتصادی، جمعیت چشم‌گیر، تولید ناخالص داخلی قابل توجه و برنامه‌های کشورهای این منطقه برای بهبود شاخص‌های تأثیرگذار در توسعه، ضمن آنکه باعث افزایش نیاز کشورهای این منطقه به انرژی شده است، منطقه جنوب آسیا را به یکی از بازارهای بزرگ انرژی جهان تبدیل نموده است (انرژی بین‌المللی هوشمند، ۲۰۱۹). اهمیت انرژی برای توسعه اقتصادی کشورهای این منطقه تا آنجاست که بر اساس برآوردهای اداره اطلاعات انرژی^۲ و وزارت انرژی^۳ آمریکا، این منطقه یکی از کانون‌های اصلی تقاضای انرژی در قرن بیست و یکم خواهد بود (سیمینسکی، ۲۰۱۵: ۲۸). علاوه بر این، پایین بودن میزان ذخایر سوخت‌های فسیلی، روند شتابان توسعه اقتصادی، تلاش برای دسترسی ارزان و امن شهروندان به منابع انرژی و همچنین برنامه‌های اقتصادی برای تسریع رشد وابستگی این منطقه به واردات انرژی را افزایش داده است (همان، ۳۱) و آنان را بر آن داشته است که در حوزه ژئوپلیتیک انرژی رویکردهایی را موردتوجه قرار دهند که تأمین‌کننده دسترسی امن آن‌ها به انرژی باشد. باین‌وجود به نظر می‌رسد به سبب رقابت‌های دیرپای ژئوپلیتیک، کشمکش‌های سرزمینی و تاریخی، حضور دو بازیگر عمده جهانی (چین و هند)، نقش‌آفرینی عوامل اقتصادی، سیاسی، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک در امنیت منطقه، مسئله دسترسی امن به انرژی در منطقه جنوب آسیا را می‌توان در فهرست موضوعات حیاتی و درعین‌حال پرچالش این منطقه قرار داد. در این میان رقابت‌های میان چین و هند جایگاه ویژه‌ای دارد. امروزه رشد هم‌زمان هند و چین، یک عامل اساسی برای درک بهتر قرن بیست و یکم است. به‌ویژه آنکه کشورها در سراسر تاریخ از ابزارهای مختلفی برای توسعه نفوذ و سطح قدرت خویش بهره‌برداری کرده‌اند؛ و سطح و محدوده کاربرد آن‌ها برای کشورها در موقعیت‌های مختلف می‌تواند متفاوت باشد و تأثیرات مختلفی بر جای‌گذارد (رشیدی و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۲۸). این دو کشور به‌عنوان دو قدرت بزرگ در حال رشد، در سراسر آسیا و آب‌های اطراف آن از نظر منافع ملی در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند؛ و می‌کوشند از یک‌سو باهدف رشد بیشتر، و از دیگر سو، با ایجاد اتحادیه‌ها و محاصره متقابل (در صورت لزوم)، کشور دیگر را محدود سازند. در این میان، بدون شک موضوع انرژی و دسترسی به آن برای قلمرو خواهی هند و چین این منطقه نقش بی‌بدیلی خواهد داشت و این پرسش را مطرح می‌سازد که با توجه به نقش‌آفرینی چین و هند، ژئوپلیتیک انرژی چه تأثیری بر امنیت منطقه‌ای در جنوب آسیا خواهد داشت؟ اهمیت این پرسش به‌قدری گسترده است که این تحقیق تلاش خود را بر روی این موضوع متمرکز کرده است تا بر اساس بنیادهای علم ژئوپلیتیک پاسخی در خور و منطقی برای آن بیابد.

چارچوب مفهومی و نظری تحقیق

۱. کل مساحت این منطقه ۶۴۰۰۱۲۷ کیلومتر مربع است (<http://www.worldmeters.info/world-population>)

۲. Energy Information Administration

۳. U.S. Department of Energy

در تعریف مفهوم منطقه می‌توان طیف متنوعی از عوامل جغرافیایی، ژئوپلیتیک، سیاسی و... را به کار بست. از منظر واقع‌گرایی، منطقه به‌عنوان زیرمجموعه فضای جغرافیایی سطح کره زمین سرزمینی است که به لحاظ ساختاری و یا کارکردی از تجانس و یگانگی برخوردار است و بر پایه خصیصه‌های ساختاری و یا کارکردی از مناطق هم‌جوار خود متمایز می‌گردد. منطقه می‌تواند خشکی پایه، آب‌پایه و یا تلفیقی باشد و از مقیاس‌های کوچک نظیر دریاچه یا شبه‌جزیره تا مقیاس‌های بزرگ نظیر اقیانوس و یا قاره را در برگیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۱). در این ساختار جغرافیایی طیف متنوعی از عوامل، متغیرها و زمینه‌های جغرافیایی به شکل‌گیری امنیت منطقه‌ای یاری می‌رسانند. تا چند دهه پیش مهم‌ترین عامل در تعریف امنیت منطقه‌ای، موضوع امنیت نظامی بود. اما در چند دهه اخیر نگرش‌های غالب نسبت به مفهوم امنیت و به‌خصوص امنیت منطقه‌ای دستخوش تحولات شگرفی شد. به‌صورتی که موضوعاتی مانند اقتصاد، منابع آبی و انرژی در ساختار امنیت منطقه‌ای اهمیت زیادی یافتند (روچیلد، ۱۹۹۵). به‌عبارت‌دیگر، موضوع امنیت به‌صورت پیوسته در حال تکامل است و به همین ترتیب تحلیل آن نیز دچار پیچیدگی‌هایی می‌گردد که برای فائق آمدن بر آن‌ها به‌ناچار باید به یکی از مکاتب فکری در تحلیل امنیت منطقه‌ای تاسی جست. مکاتب و رویکردهای متنوعی درباره امنیت منطقه‌ای وجود دارد که از چشم‌انداز خاص خود به موضوع امنیت می‌نگرند. به‌عنوان مثال می‌توان از دو رویکرد واقع‌گرایی و لیبرال درباره امنیت سخن گفت. در چارچوب پارادایم واقع‌گرایی، امنیت در اشکال سیاسی و نظامی به‌صورت حمایت از مرزها و حفظ تمامیت ارضی و ارزش‌های یک دولت در مقابل خطرهای محیط بین‌المللی متخاصم تعریف می‌شود (دهشیری و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۷). بخش عمده‌ای از تعاریف امنیت در این رویکرد، به‌طور گسترده‌ای بر کارکردها و اقتضات امنیت نظامی تأکید دارد (اولمان، ۱۹۸۳: ۱۳۰) و ادراک امنیت معطوف به تهدیداتی است که از سوی رقبا و دشمنان یا متحدان منطقه‌ای آن‌ها احساس می‌شود. به همین علت می‌توان گفت، احساس ترس و تهدید به یک بخش روزمره از ژئوپلیتیک مبدل شده است (احمدی‌پور و رشیدی، ۱۳۹۷: ۲۵) به‌گونه‌ای که به باور مورفی دنیای کنونی را باید با مسئله تهدید جهانی‌شدن‌های شناخت که انسان معاصر مجبور به زندگی با آن است (مورفی، ۲۰۰۶ به نقل از رشیدی و همکاران، ۲۰۲۱: ۸۰). رویکرد دیگر نسبت به امنیت منطقه‌ای در قالب رویکرد لیبرال در روابط بین‌الملل قابل تفسیر است. یکی از عوامل تحول در امنیت منطقه‌ای با رویکرد لیبرال، مسئله منافع اقتصادی است که باعث می‌شود از نظر منطقه‌ای، کشورها سطوح بالاتری از رقابت‌پذیری منطقه‌ای را از خود به نمایش بگذارند و طیف متنوع‌تری از منافع ملی را تأمین نمایند. در این فرآیند، کارکرد و اهمیت امنیت انرژی نقش مهمی در معادلات امنیتی نظام جهانی یافته است (مختاری هشی و نصرتی، ۱۳۸۹: ۹۶). درحالی‌که مسئله عمده برای واقع‌گرایان، امنیت ملی است، نگرش لیبرال موضوعات چندگانه‌ای را همراه با مسائل اقتصادی، اجتماعی و رفاهی در دستور کار قرار می‌دهد و مطالعات امنیتی خود را بر پایه صلح استوار می‌سازد و به این نکته اشاره می‌کند که پیروزی نمی‌تواند تضمین‌کننده امنیت باشد، زیرا شکست‌خوردگان در صدد چالش مجدد با فاتحان می‌باشند (دهشیری و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۸). به‌عبارت‌دیگر، در این رویکرد، امنیت منطقه‌ای در چارچوب منطقه‌گرایی و همکاری منطقه‌ای به وجود می‌آید که فراهم‌کننده منافع همه طرف‌ها در حوزه‌های مرتبط نظیر تجارت، تعامل به جهان، تأمین منابع غذایی و انرژی باشد.

در مکتب کپنهاگ که بوزان یکی از نمایندگان شناخته‌شده آن است، تعریف و کارکرد «امنیت» همبستگی قابل‌توجهی با مفهوم «منطقه» دارد. به‌زعم بوزان و ویبور، نمی‌توان از طریق فهم عملکرد واحدهای مجزا، امنیت آن‌ها را درک کرد بلکه باید از طریق درک پویای امنیت منطقه‌ای، به درک وسیع‌تری از امنیت دست‌یافت (ویبور و بوزان، ۲۰۰۹: ۵۴-۵۳). چراکه به‌قدری مسائل امنیتی کشورها درهم‌تنیده است که نمی‌تواند جداگانه مورد تحلیل قرار گیرد. از نظر بوزان و ویبور، منظومه قدرت، تابعی از مناطق محسوب می‌شود. لذا از نظر آن‌ها نقش مناطق و اهمیت ژئوپلیتیک آن در منظومه

قدرت جهانی، اهمیت بسزایی دارد. بری بوزان بر این باور است که مسئله پایان جنگ سرد که آغازی بر بی‌ثباتی در سیاست جهان بود و همچنین تغییر محیط سیاسی بین‌الملل در اثر حادثه ۱۱ سپتامبر نشان داد رویکرد واقع‌گرایانه به امنیت منطقه‌ای دارای محدودیت‌های مختلفی است و ضرورت دارد برای فهم مناسب از سرشت و سرنوشت امنیت، به ساختار منطقه و ویژگی‌های کشورهای آن که در منطقه‌ای خاص قرار دارند و از معضلات امنیتی مشابهی برخوردار هستند توجه کرد (دهشیری و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۰). از موضوعات مهم دیگر در بحث امنیت منطقه‌ای، می‌توان به ژئوپلیتیک انرژی و امنیت انرژی اشاره کرد. امنیت انرژی به شیوه‌های متفاوت و بر اساس پیش‌فرض‌ها و شاخص‌های مختلفی تعریف شده است به طوری که نمی‌توان تعریف نافذ و فراگیری از آن ارائه داد. به‌عنوان نمونه، آنگ و چونگ در پژوهش خود درباره تعاریف، ابعاد و شاخص‌های امنیت انرژی، به این نتیجه رسیده‌اند که تعریف این مفهوم در میان محققان مختلف، سیال است، باین‌حال آن‌ها بیش از هر چیز بر روی پایداری زیست‌محیطی^۱ و بهره‌وری انرژی^۲ تأکید ویژه داشته‌اند (آنگ و چونگ، ۲۰۱۵: ۱۰۷۷). در مقابل مخالفان بر این باور هستند که امنیت انرژی شامل دسترسی به طیف متنوعی از منابع تأمین‌کننده می‌شود که از وابستگی یک کشور به کشور دیگر بکاهد و هم‌زمان تنوع قابل قبولی در شیوه دسترسی، منابع و انواع انرژی را فراهم کند (کوستانتینی، ۲۰۰۷: ۲۱۰). به باور کوستانتینی و همکاران او (همان) ژئوپلیتیک انرژی نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد توازن قدرت دارد. این تعریف به‌نوعی مکمل دیدگاهی است که آژانس بین‌المللی انرژی در مورد امنیت انرژی ارائه داده است و در آن امنیت انرژی را به‌عنوان دسترسی بدون وقفه به منابع انرژی باقیمت مناسب تعریف کرده است (آژانس بین‌المللی انرژی، ۲۰۱۹ به نقل از کوستانتینی، ۲۰۰۷: ۲۱۲). بنابراین با توجه به مباحث بالا می‌توان گفت امنیت انرژی هنگامی برای یک کشور وجود خواهد داشت که مؤلفه‌هایی مانند دسترسی، زیرساخت، قیمت مناسب و رقابتی، ریسک زیست‌محیطی و قابلیت توزیع مناسب برای انرژی وجود داشته باشد و هم‌زمان مانع قابل توجهی برای کاربرد منابع انرژی برای توسعه پایدار وجود نداشته باشد. این موضوع به‌نوبه خود باعث به میان کشیده شدن بحث ژئوپلیتیک انرژی می‌گردد. ژئوپلیتیک انرژی به‌صورت کلی به پویایی‌های ژئوپلیتیک در مقیاس‌های مختلف (از محلی تا جهانی) اشاره دارد که در آن بازیگران ملی و غیر ملی تلاش می‌کنند تا با توجه به اهمیت فزاینده انرژی در حوزه‌هایی نظیر امنیت، اقتصاد و سیاست شرایط رقابت و بازی را به‌گونه‌ای مدیریت نمایند که از بروز هرگونه اختلالی در دسترسی به انرژی و عواقب مخرب محرومیت از دسترسی جلوگیری نمایند. از عوامل تأثیرگذار بر ژئوپلیتیک انرژی می‌توان به ویژگی‌های جغرافیایی، زمینه‌های اقتصادی، عوامل سیاسی، رقابت‌های ژئوپلیتیک و تعارض منافع اقتصادی در مناطق جغرافیایی مختلف جهان اشاره کرد. نکته جالب‌توجه در این میان آن است که هم ژئوپلیتیک انرژی و هم عوامل تأثیرگذار بر آن همواره تأثیر قابل توجهی بر روی امنیت انرژی و امنیت منطقه‌ای بر جا می‌گذارند. به طوری که، عواملی مانند واقعیت‌های جغرافیایی، زمینه‌های اقتصادی، عوامل سیاسی، رقابت‌های ژئوپلیتیک و تعارض منافع اقتصادی در مناطق جغرافیایی مختلف جهان موجب شده است دو مسئله امنیت انرژی و امنیت منطقه‌ای تأثیر متقابلی داشته باشند. به بیان ساده‌تر، مباحث انرژی و امنیت آن در قرن ۲۱ به‌شدت با اقتصاد و امنیت منطقه‌ای گره‌خورده است. برخی جغرافیدانان سیاسی مانند پیتر تیلور، بر این باور هستند که جغرافیای جهان معاصر به‌وسیله دو گرایش اقتصادی قوی تحت سلطه قرار گرفته است. از یک‌طرف، جهان در حال گرایش فزاینده‌ای به سوی همگرایی اقتصادی است؛ مراکز مالی بین‌المللی واقعیت کوچکی از این همگرایی هستند و توسعه شبکه شهرهای جهانی نمود جغرافیایی آن است؛ از طرف دیگر، جهان به‌شدت در حال قطبی شدن - از نظر اقتصادی - و گسترش شکاف درآمدی میان غنی‌ترین و فقیرترین انسان‌ها است (ذکی و گلفشان، ۱۳۹۴: ۶۵). همین مسئله باعث پررنگ شدن مفهومی به نام

1 . Environmental Sustainability

2 . Energy Efficiency

ژئوپلیتیک دسترسی در امنیت منطقه‌ای شده است. ژئوپلیتیک دسترسی از وضعیت جغرافیایی و استراتژیک منطقه اوراسیا در تحولات پس از فروپاشی شوروی سابق اخذ شده است (مجتهدزاده، ۱۳۸۷: ۱۱۳)؛ و امروزه در تبیین و تشریح ضرورت‌هایی که کشورها برای دسترسی به جهان پیرامون، انرژی و منابع اقتصادی دارند، کارکردهای عمده‌ای یافته است. این کارکردها کمک شایانی به ادراک مسائلی مانند امنیت انرژی و امنیت منطقه‌ای می‌کنند و ضرورت ادراک مفاهیم دیگری به نام منطقه‌گرایی^۱ و همگرایی^۲ را بیشتر می‌نمایند.

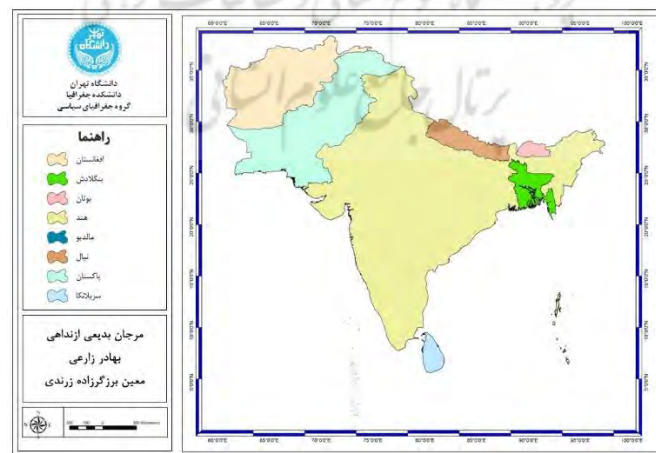
روش پژوهش

با توجه به موضوع پژوهش که بررسی نقش ژئوپلیتیک انرژی بر امنیت منطقه‌ای جنوب آسیا و نقش‌آفرینی دو بازیگر عمده منطقه‌ای، یعنی چین و هند، را در دستور کار قرار داده است محققان تلاش نموده‌اند تا با استفاده از روش تحقیق تحلیلی و توصیفی به مطالعه موضوع بپردازند. در روش تحقیق تحلیلی-توصیفی تلاش می‌شود تا با استفاده از منطق تحلیلی به تجزیه و تحلیل وقایع و حقایق جغرافیایی پرداخته شود و از این رهگذر با توصیف اطلاعات در دسترس که به واسطه تحلیل یافته‌ها فراهم شده است نتایج متقنی در زمینه مورد بحث فراهم گردد. برای دستیابی به این هدف و جهت جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد استفاده در پژوهش، از مطالعات کتابخانه‌ای یاری جسته شده است. همچنین با استفاده از نرم‌افزارهایی مانند Arc GIS و گزینه‌هایی مانند Smart Art در word اقدام به تهیه نقشه‌ها و اشکال متناسب با اهداف تحقیق شده است.

بحث و یافته‌ها

۱- منطقه جنوب آسیا و رقابت ژئوپلیتیک چین و هند

سائول کوهن (۲۰۰۵) در نظریه خود، منطقه جنوب آسیا را در دوره جنگ سرد به‌عنوان یک منطقه ژئوپلیتیکی مستقل به شمار آورد. این منطقه پس از جنگ سرد نیز به دلایل چندی در کانون توجهات ژئوپلیتیکی و استراتژیکی قرار گرفت، مانند: اقیانوس هند، قدرت هسته‌ای هند و پاکستان، ژئوپلیتیک انتقال انرژی، هم‌جواری این منطقه با مناطق ژئوپلیتیکی شرق و جنوب غرب آسیا، وجود دو ایدئولوژی دینی متفاوت اسلام و هندوئیسم و اصطکاک منافع قدرت‌های بزرگ مانند چین و آمریکا در منطقه (نقشه ۱).



شکل ۱. منطقه جنوب آسیا

- 1 . Regionalism
- 2 . Convergence

در این راستا، منطقه آسیای جنوبی حداقل به دو دلیل در کانون دگرگونی‌های ژئوپلیتیک قرار دارد: ۱- پیشرفت چین؛ از لحاظ اقتصادی، نظامی و همچنین تلاش آن برای افزایش تأثیرات دیپلماتیک و تجاری خود در منطقه اوراسیا. ۲- پیشرفت هند؛ و تلاش این کشور برای همکاری با مناطق جنوب و جنوب شرق آسیا (و اوراسیا) (باگانتی، ۲۰۱۱: ۲). دو کشور هند و چین که در عرصه‌های مختلف اقتصادی، علمی، نظامی و فناوری همواره در حال رشد و توسعه هستند به قدرت فزاینده‌ای دست‌یافته‌اند که نه تنها ژئوپلیتیک این دو کشور، بلکه ژئوپلیتیک جنوب آسیا را نیز از رقابت‌های خود متأثر ساخته‌اند. به‌گونه‌ای که هرکدام از این دو بازیگر به سبب رقابت‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک دیگری را به‌عنوان یک رقیب چالشگر عمده در منطقه جنوب آسیا می‌نگرد که می‌تواند به‌عنوان عاملی برای تهدید منافع ملی نگریسته شود. با توجه به اهمیت رقابت‌های ژئوپلیتیک میان چین و هند، برژینسکی خاطر نشان ساخته بود «قدرت فزاینده برخی کشورهای آسیایی یک تهدید مهم برای ثبات منطقه است، زیرا در این منطقه ساختار امنیتی مشترک و بازدارنده منطقه‌ای وجود ندارد» (برژینسکی، ۱۳۸۶: ۱۴۲). به‌عنوان نمونه، ژئوپلیتیک جدید چین در دو دهه اخیر نسبت به گذشته تحولات گسترده‌ای یافته است؛ به‌طوری‌که می‌کوشد به یاری توانایی اقتصادی خود به بازسازی و توسعه سریع توان نظامی خویش بپردازد و به‌این‌ترتیب مناطق پیرامونی‌اش از دریای ژاپن تا شمال اقیانوس هند را تحت نفوذ خود درآورد. هم‌زمان پکن به دلیل رقابت‌های ژئوپلیتیک و منطقه‌ای با هند، بر آن است تا با سیاست نزدیکی به پاکستان، بر مزیت‌های ژئوپلیتیک خود بیافزاید و دامنه تأثیرگذاری خود بر حوزه‌های اقتصادی و نظامی در منطقه جنوب آسیا را افزایش دهد (سازمند و ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۱: ۱۵۹). در مقابل، هند در سال‌های اخیر به دنبال آن بوده است تا به‌عنوان قدرتمندترین کشور عضو جنبش عدم تعهد، نقش مستقل و جهانی برای خود ایفا کند و به‌عنوان کشور مستقلی که سیاستی مستقل از پنج قدرت بزرگ جهانی دارد، به نقش آفرینی گسترده‌ای در قاره آسیا بپردازد (کولکاری و کریستل ناتان، ۲۰۱۶). از منظر ژئوپلیتیک یکی از عوامل موثر بر حرکت هند در راستای این هدف، قابلیت منطقه جنوب آسیا برای تبدیل شدن به یک منطقه ژئوپلیتیک مستقل است. به باور سائول کوهن (۱۹۹۴) در میان تمامی مناطق ژئوپلیتیکی جهان، آسیای جنوبی تنها منطقه مستقلی است که به‌طور آگاهانه در پی تبدیل شدن به یک «موازنه‌گر جهانی» با نتایج متفاوت است. هند در کنار کشمکش‌های سرزمینی با پاکستان، در آسیای جنوبی به رقابت با چین می‌پردازد و حتی در برهه‌ای از دهه ۶۰ میلادی به سبب اختلافات سرزمینی به رویارویی نظامی با همسایه شرقی خود پرداخته است. این اختلافات ژئوپلیتیک و سرزمینی، موجب آن شده است که دو کشور چین و پاکستان به یکدیگر نزدیک شوند و صحنه شطرنج ژئوپلیتیک در شبه‌قاره هند را با پیچیدگی‌های جدیدی مواجه سازند. به همین علت، این منطقه به‌شدت از تلاش چین برای نفوذ در این منطقه متأثر است و همین امر موجب اتخاذ اقداماتی از سوی هند شده است تا در برابر پاکستان موقعیت برتر خود را حفظ نماید و هم‌زمان بکوشد تا به یک موازنه ژئوپلیتیک در برابر چین دست یابد. کشور هند به سبب موقعیت جغرافیایی مناسب، وسعت، جمعیت و اقتصاد به‌صورت پیوسته در حال تلاش برای اعمال نفوذ در مناطق پیرامونی خود است. در این فرآیند هرچند دو کشور چین و پاکستان به رقابت با این کشور در منطقه جنوب آسیا برخاسته‌اند، اما قدرت و وزن ژئوپلیتیکی هند توانسته است به مقابله هند با دو کشور رقیب خود، یعنی چین و پاکستان در جنوب آسیا یاری برساند. از طرف دیگر، تحولاتی که در پی رخداد ۱۱ سپتامبر در محیط سیاسی بین‌الملل روی داد باعث نزدیکی دو کشور آمریکا و هند شده است و همین موضوع بر پیچیدگی‌ها و دامنه رقابت‌های ژئوپلیتیک در منطقه جنوب آسیا افزوده است (حسین پور پویان و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۷) و امنیت منطقه‌ای در این پهنه از گیتی را متأثر ساخته است.

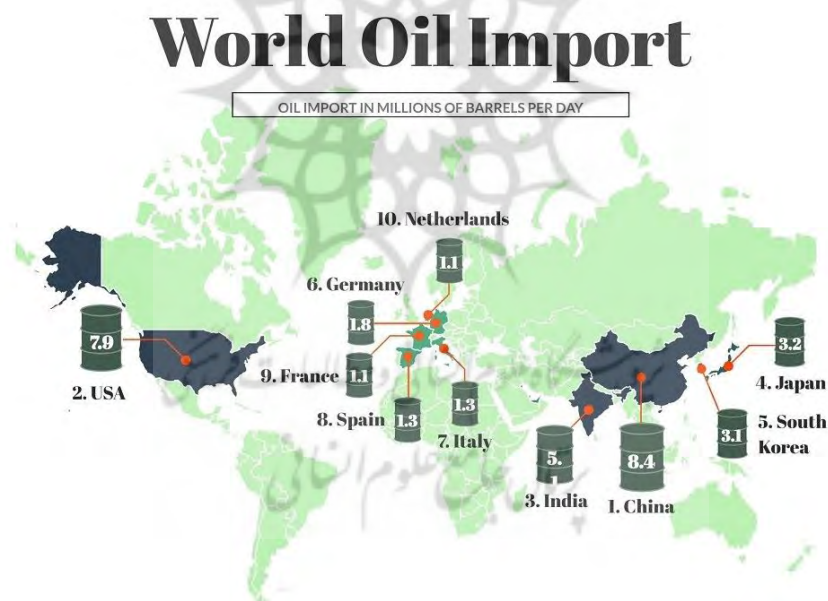
۲- ژئوپلیتیک انرژی و ژئوپلیتیک دسترسی در منطقه جنوب آسیا

یکی از موضوعات مهم در امنیت منطقه‌ای در جنوب آسیا مسئله «انرژی» است. با توجه به منابع کم انرژی موجود در منطقه جنوب آسیا به خصوص نفت و گاز (جدول ۱) و وابستگی کشورهای جنوب آسیا و چین به واردات انرژی فسیلی (نقشه ۲)، امنیت انرژی به موضوع مهمی برای این کشورها تبدیل شده است.

جدول ۱. منابع انرژی کشورهای منطقه جنوب آسیا - ۲۰۱۹

ردیف	کشور	منابع انرژی کشورهای جنوب آسیا		
		زغال سنگ (میلیون تن)	نفت خام (میلیون بشکه)	گاز طبیعی (میلیارد مترمکعب)
۱	افغانستان	۴۴۰	۰	۱۵
۲	بنگلادش	۸۸۴	۱۲	۸
۳	بوتان	۲	۰	۰
۴	هند	۹۰۰۸۵	۵۷۰۰	۳۹
۵	مالدیو	۰	۰	۰
۶	نیپال	۰	۰	۰
۷	پاکستان	۱۷۵۵۰	۳۲۴	۳۳
۸	سريلانكا	۰	۱۵۰	۰
	جمع	۱۰۸۹۶۱	۵۹۰۶	۹۵

منبع: بانک توسعه آسیا، ۲۰۱۹

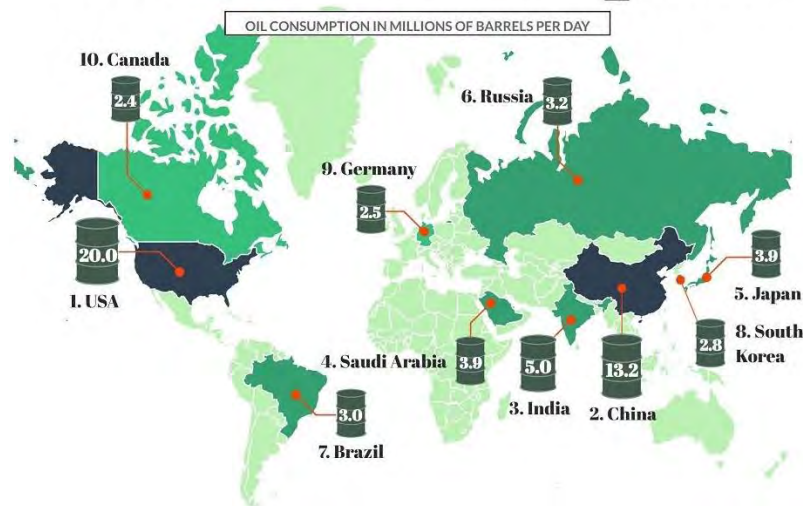


شکل ۲. میزان واردات روزانه نفت خام در بزرگ‌ترین کشورهای مصرف‌کننده انرژی

منبع: tonymappedit.com، ۲۰۱۹

برآوردها نشان می‌دهند در سال‌های آتی، هند و چین به ترتیب به دومین و اولین مصرف‌کننده عمده نفت خام جهان مبدل خواهند شد (نقشه ۳).

World Oil Consumption



شکل ۳. میزان مصرف میانگین روزانه نفت خام در بزرگ‌ترین کشورهای مصرف‌کننده انرژی

منبع: tonymappedit.com, ۲۰۱۹

با توجه به رشد مصرف انرژی فسیلی در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰ کشورهای منطقه جنوب آسیا (جدول ۲) و بر اساس پیش‌بینی‌های صورت گرفته، می‌توان گفت کشورهای منطقه آسیای جنوبی تا سال ۲۰۴۰ حدود ۳۳ درصد افزایش تقاضای انرژی خواهند داشت (نیپال و پایجا، ۲۰۱۹: ۷۲۱).

جدول ۲. میزان مصرف انرژی فسیلی کشورهای منطقه جنوب آسیا در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰

ش	کشور	نفت خام		زغال سنگ		گاز طبیعی	
		۲۰۱۰	۲۰۲۰	۲۰۱۰	۲۰۲۰	۲۰۱۰	۲۰۲۰
۱	افغانستان	۰,۳	۰,۸	۰	۰	۰	۰,۸
۲	بنگلادش	۴,۹	۸,۰	۰,۷	۶,۵	۱۶,۰	۲۹,۰
۳	بوتان	۰,۲	۰,۵	۰	۰	۰	۰
۴	هند	۱۷۵	۳۰۰	۲۹۰	۴۵۰	۵۵	۹۰
۵	مالدیو	۰,۳	۰,۶	۰	۰	۰	۰
۶	نیپال	۱,۰	۲,۰	۰,۳	۰,۴	۰	۰
۷	پاکستان	۲۲	۳۷,۵	۴,۵	۱۹,۹	۲۷,۵	۴۹,۳
۸	سريلانكا	۴,۳	۷,۸	۰	۲,۹	۰	۰
	جمع	۲۰۸	۳۵۷	۲۹۶	۴۸۰	۹۹	۱۶۹

ارقام معادل یک میلیون تن نفت خام منبع: بانک توسعه آسیا، ۲۰۱۹

مهم‌ترین نکته از نظر انرژی، ژئوپلیتیک دسترسی است. بنابراین چندان عجیب نیست که کشورهای منطقه جنوب آسیا نگرانی زیادی در مورد اختلاف در مسیر تأمین انرژی داشته باشند و آن را به‌عنوان یک مسئله امنیتی مدنظر قرار دهند (یوان و همکاران، ۲۰۲۰). سطح مصرف سالانه فرآورده‌های نفتی از ۲۰۵ میلیون تن در سال ۲۰۰۸ میلادی به ۳۱۵ میلیون تن در سال ۲۰۱۷ افزایش یافته است (نیپال و پایجا، ۲۰۱۹: ۷۲۱).

چالش‌هایی که در منطقه ژئوپلیتیک جنوب آسیا در زمینه امنیت انرژی وجود دارد، ناشی از فقدان توازن میان تقاضا و عرضه انرژی در این منطقه است. زیرا کشورهای این منطقه به‌صورت پیوسته با مسئله افزایش تقاضای انرژی روبه‌رو

هستند، و در نتیجه ناگزیر باید راهبردهایی را مورد نظر قرار دهند که با توجه به وابستگی آن‌ها به واردات انرژی، جریان پیوسته و امن انرژی را برای آن‌ها تأمین نماید. هرچند آمارها نشان‌دهنده وابستگی روزافزون این کشورها به نفت خام خاورمیانه است، اما در عین حال هر دو کشور هند و چین در حال حرکت به سمت تأمین نفت خام از منابع خارج از منطقه خاورمیانه نظیر کشورهای آفریقایی (نیجریه، آنگولا و کنگو)، کشورهای آسیایی (روسیه و مالزی)، و کشورهای آمریکایی (مکزیک، ونزوئلا، کلمبیا و آمریکا) هستند (جدول ۳ و ۴).

جدول ۳. منابع اصلی تأمین نفت خام چین در سال ۲۰۱۹ میلادی

ش	کشور	درصد	ارزش (میلیارد دلار)
۱	عربستان سعودی	۱۶,۸	۴۰,۱
۲	روسیه	۱۵,۳	۳۶,۵
۳	عراق	۹,۹	۲۳,۷
۴	آنگولا	۹,۵	۲۲,۷
۵	برزیل	۷,۸	۱۸,۵
۶	عمان	۶,۹	۱۶,۴
۷	کویت	۴,۵	۱۰,۸
۸	امارات متحده عربی	۳	۷,۳
۹	ایران	۳	۷,۱
۱۰	بریتانیا	۲,۷	۶,۳
۱۱	کنگو	۲,۳	۵,۵۴
۱۲	مالزی	۲,۳	۵,۵
۱۳	کلمبیا	۲,۳	۵,۴
۱۴	لیبی	۲	۴,۸
۱۵	ونزوئلا	۱,۹	۴,۴

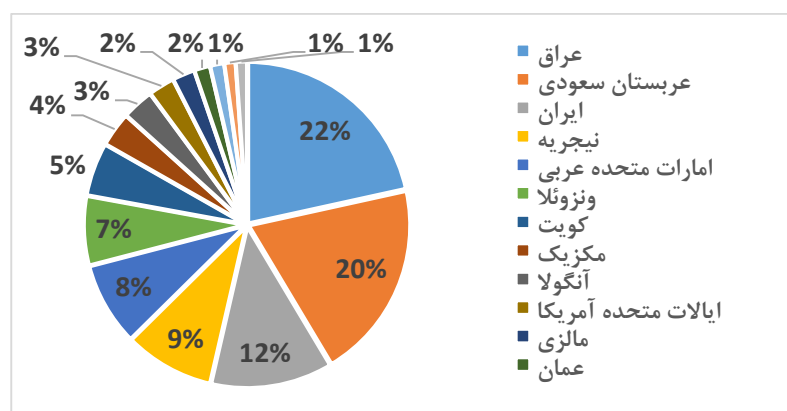
منبع: Workman, ۲۰۲۰

جدول ۴. منابع اصلی تأمین نفت خام هند در سال ۲۰۱۹ میلادی

ش	کشور	ارزش (میلیارد دلار)
۱	عراق	۲۳
۲	عربستان سعودی	۲۱,۲
۳	ایران	۱۳
۴	نیجریه	۹,۶
۵	امارات متحده عربی	۸,۹
۶	ونزوئلا	۷,۴
۷	کویت	۵,۷
۸	مکزیک	۳,۷
۹	آنگولا	۳,۴
۱۰	ایالات متحده آمریکا	۲,۸
۱۱	مالزی	۲,۴
۱۲	عمان	۱,۷
۱۳	برزیل	۱,۵
۱۴	قطر	۱,۲
۱۵	روسیه	۱,۲

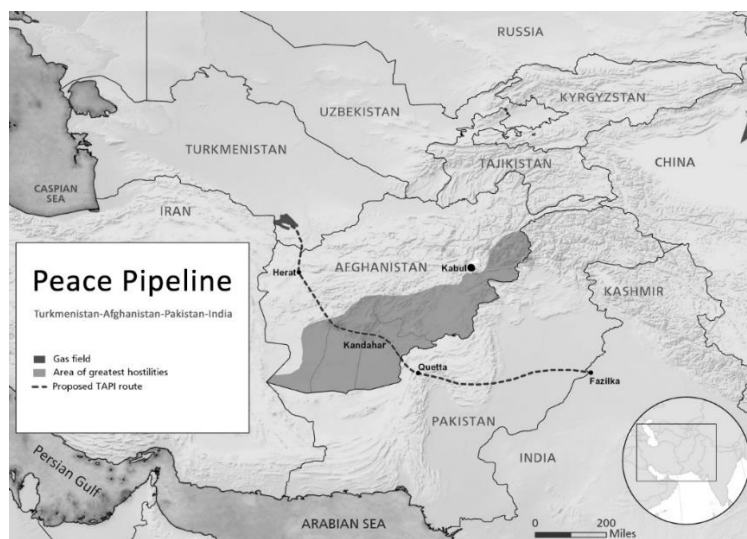
منبع: Workman, ۲۰۲۰

به عبارت دیگر، هر دو کشور برای واردات انرژی به مسیرهای امن از سه مبدأ عمده آفریقا، خاورمیانه و آمریکا وابسته هستند. شایان ذکر است در سال ۲۰۲۰ سه کشور عراق، عربستان و ایران در خاورمیانه بیش از ۵۰ درصد از منابع نفت خام کشور هند را تأمین کرده‌اند (شکل ۴).



شکل ۴. تأمین‌کنندگان نفت خام هند در سال ۲۰۲۰ میلادی

این در حالی است که ذخایر داخلی این کشورها و توان آن‌ها برای عرضه انرژی از بستر منابع داخلی با محدودیت‌های مختلفی روبه‌رو است (جدول ۱). میزان منابع انرژی فسیلی زغال‌سنگ، نفت خام و گاز طبیعی این کشورها و همچنین توان داخلی آن‌ها برای تولید برق‌آبی، نشان می‌دهد مسئله دسترسی به منابع داخلی انرژی در این منطقه تا چه اندازه محدود است؛ و چرا این کشورها نگرانی‌های عمده‌ای در زمینه تأمین انرژی و امنیت مسیرهای دسترسی به آن دارند. عمده کشورهای منطقه جنوب آسیا در فهرست کشورهایی قرار می‌گیرند که با دو مسئله ازدیاد روزافزون جمعیت و ضرورت توسعه اقتصادی روبه‌رو هستند. این دو مسئله موجب شده است که میزان تقاضای داخلی در این کشورها برای مصرف انرژی در فعالیتهای اقتصادی و همچنین مصارف خانگی به صورت روزافزونی رشد داشته باشد به گونه‌ای که در بسیاری از این کشورها مصرف سرانه انرژی با سرعت در حال افزایش است. دامنه تقاضا و مصرف انرژی در جنوب آسیا به اندازه‌ای است که تنها ظرف یک دوره ده‌ساله میزان تقاضا برای انرژی برق در کشورهای این منطقه دو برابر شده است. این مسئله با توجه به محدودیت‌هایی که در زمینه دسترسی به انرژی در این منطقه وجود دارد، موجب شده است که طرح‌های استراتژیک متعددی نظیر خط لوله صلح (شکل ۵) برای انتقال انرژی از منابع خارج از منطقه در دستور کار کشورهای جنوب آسیا قرار گیرد. طرح‌هایی که هرچند در تئوری می‌توانند به میزان قابل توجهی نیازهای داخلی منطقه به انرژی را تأمین کنند، اما هم‌زمان متضمن فائق آمدن بر چالش‌های دیگری می‌باشند که در زمینه امنیت انرژی منطقه و همچنین رقابت‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای فراروی کشورهای جنوب آسیا قرار دارند.



شکل ۵. خط لوله صلح منبع: برگرفته شده از masspeaceaction ۲۰۲۱

آمارهایی که در زمینه تقاضا و مصرف انرژی از سوی کشورهای عضو منطقه جنوب آسیا ارائه شده است، نشان می‌دهد این کشورها با مسئله افزایش تقاضا برای مصرف انواع سوخت‌های فسیلی و همچنین الکتریسیته مواجه هستند، به‌گونه‌ای که برآورد می‌شود در این منطقه سالانه به‌صورت میانگین ۱۰ درصد بر میزان درخواست برای منابع انرژی افزوده می‌شود (عالم و همکاران، ۲۰۱۹: ۱۲). مواردی از این قبیل باعث شده است که کشورهای جنوب آسیا سه سیاست مختلف برای پاسخگویی به نیازهای داخلی در زمینه انرژی را مدنظر خود قرار دهند:

- (۱) استفاده حداکثری از منابع انرژی داخلی کشور؛
- (۲) تبادل انرژی با کشورهای همسایه؛
- (۳) مدنظر قرار دادن دیپلماسی انرژی برای فراهم کردن مسیرهای دسترسی امن و پیوسته به منابع جدید انرژی در مناطق جغرافیایی پیرامون.

در حال حاضر سه مسیر مختلف برای دسترسی کشورهای جنوب آسیا به منابع خام انرژی وجود دارد (جدول ۵) که هر سه مسیر از ژئوپلیتیک جدید هند و چین متأثر هستند. هرکدام از این دو کشور به سبب رقابت‌های ژئوپلیتیک نگران تنش‌های احتمالی و تأثیر آن بر مسیرهای ارتباط دریایی هستند. همین مسئله باعث شده است که راهبردهایی نظیر تقویت قدرت دریایی از سوی هر دو کشور هند و چین دنبال شود (شکل ۵). درعین حال مسئله رقابت‌های ژئوپلیتیک میان هند و پاکستان، کشور پاکستان را نیز بر آن داشته است تا به سمت گسترش روابط اقتصادی و امنیتی با چین گام بردارد و به تقویت زیرساخت‌های نظامی و همچنین نیروی دریایی خود برای مقابله با هرگونه تهدید احتمالی بپردازد. این امر درنهایت باعث گسترش رقابت تسلیحاتی در منطقه جنوب آسیا و پیچیده‌تر شدن ساختارهای امنیت منطقه‌ای در این بخش از قاره آسیا شده است.

جدول ۵. مسیرهای عمده انتقال نفت خام به جنوب آسیا و نگرانی‌های عمده ژئوپلیتیک هند و چین

ش	مبدأ	مسیر	ملاحظات ژئوپلیتیک هند	ملاحظات ژئوپلیتیک چین
۱	خاورمیانه	خلیج فارس - شمال اقیانوس هند	نگرانی از اعمال نفوذ چین در شمال دریای عمان در مسیرهای مجاور با آب‌های ساحلی پاکستان	نگرانی در مورد اعمال نفوذ و مداخله هند در شمال اقیانوس هند
۲	آمریکا	اقیانوس آرام - تنگه مالاکا	نگرانی از تسلط روزافزون نیروی دریایی چین بر مسیرهای ارتباطی اقیانوس آرام و	در این مسیر انتقال انرژی چین نگران افزایش قدرت دریایی هند

شرق اقیانوس هند	شرق اقیانوس هند	است
جنوب اقیانوس هند -	افزایش نفوذ اقتصادی چین در کشورهای تولیدکننده نفت در قاره آفریقا	نگرانی در مورد اعمال نفوذ و مداخله هند در شمال اقیانوس هند
شمال اقیانوس هند		

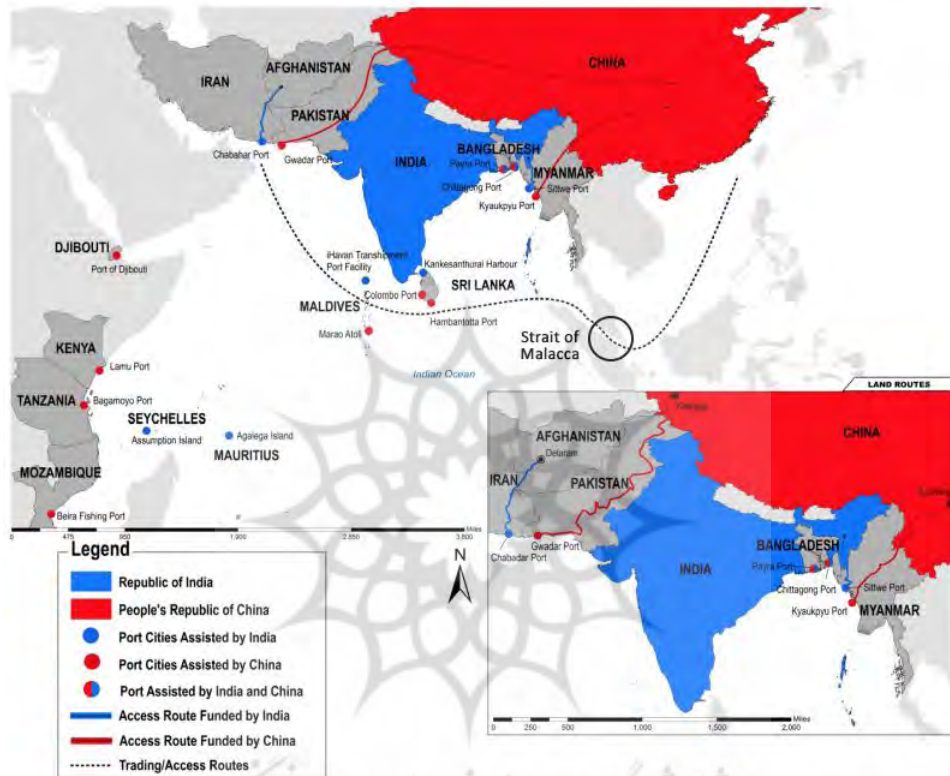
در حال حاضر در منطقه جنوب آسیا، تبادل انرژی به یک رویکرد غالب تبدیل شده است. به‌عنوان مثال، هند از بوتان برق وارد می‌کند اما هم‌زمان بخشی از تولید برق خود را به کشورهای نپال، بنگلادش و میانمار (برمه) صادر می‌کند. افغانستان نزدیک به سه‌چهارم انرژی خود را از ازبکستان، ترکمنستان، ایران و تاجیکستان وارد می‌کند (عالم و همکاران، ۲۰۱۹: ۱۲). هم‌زمان، پاکستان می‌کوشد تا با توجه به منابع غنی انرژی گاز که در کشورهای آسیای مرکزی وجود دارد، بخشی از انرژی موردنیاز خود را از این منطقه جغرافیایی تأمین و وارد کند. آمار و اطلاعات نشان می‌دهد در منطقه جنوب آسیا نه‌تنها کمبود انرژی وجود دارد، بلکه در آینده امکان آن وجود دارد که با افزایش تقاضا برای مصرف انرژی، بر دامنه تنگنای کشورهای آسیای جنوبی در حوزه ژئوپلیتیک انرژی نیز افزوده شود. این موضوع به‌نوبه خود، بر اهمیت و کارکرد ژئوپلیتیک انرژی در این منطقه جغرافیایی می‌افزاید و روابط میان کشورهای این منطقه با یکدیگر و با کشورهای همسایه و شرکای تجاری آن‌ها را پیچیده‌تر می‌کند. اهمیت این موضوع هنگامی افزایش می‌یابد که بدانیم در منطقه جنوب آسیا طیف متنوعی از کشمکش‌های سرزمینی، رقابت‌های ژئوپلیتیک و تنش در زمینه کارکرد مرز وجود دارد (پیردشتی و کمری، ۱۳۹۵ و درایسدل و بلیک، ۱۳۷۰: ۱۷۱) که هرکدام از آن‌ها می‌تواند موجب یک بحران در امنیت منطقه‌ای جنوب آسیا شود. درنهایت، این موضوع موجب شده است تا مسئله ضرورت تأمین انرژی و منابع اقتصادی برای توسعه این کشورها، بر چالش‌های موجود در این منطقه ژئوپلیتیک بیافزاید. به‌عنوان نمونه کشمکش‌های سرزمینی بر سر مالکیت بر حوزه‌های نفتی خلیج بنگال میان کشورهای میانمار و بنگلادش از سال ۲۰۰۸ میلادی بر دامنه تنش‌ها میان کشورهای همسایه در این خلیج افزوده است (وب‌سایت یکشنبه-نگهبان، ۲۰۱۹).

۳- انرژی و رقابت ژئوپلیتیک هند و چین در جنوب آسیا

چین در مورد نواحی غربی کشور که از نظر اقتصادی نسبت به سایر مناطق چین توسعه‌نیافته محسوب می‌شوند نگران است و هم‌زمان با چالش‌های متعددی نظیر مسئله جدایی‌طلبی، هویت‌خواهی و نفوذ رو به گسترش اسلام سیاسی مواجه است (جاشوک و چان، ۲۰۰۹). یکی از راهبردهای چین برای تسریع ادغام این مناطق در ساختارهای سیاسی و اقتصادی کشور تلاش برای ایجاد یک کریدور اقتصادی از طریق بندر گوادر پاکستان است که هم تسهیل‌کننده ارتباطات اقتصادی است و هم زمینه را برای نفوذ چین در ماورای مرزهای غربی هند فراهم کند (دگونگ، ۲۰۲۰). این امر را می‌توان در چهارچوب مفهوم ژئوپلیتیک دسترسی در حوزه‌های اقتصاد و انرژی تحلیل کرد. امری که درنهایت انتفاع سه کشور چین، افغانستان و پاکستان را به همراه دارد و تأمین‌کننده منافع بلندمدت این کشورها است و البته باعث نزدیکی این کشورها از نظر امنیتی، نظامی، سیاسی و اقتصادی می‌شود. نفوذ چین در سواحل جنوبی پاکستان باعث می‌گردد که از نظر استراتژیک دو رقیب عمده هند تسلط بالایی بر مسیر انتقال انرژی از خلیج فارس به جنوب آسیا داشته باشند و همین مسئله از نظر هند به‌عنوان یک تهدید فزاینده در حوزه ژئوپلیتیک انرژی و امنیت ملی نگریسته می‌شود؛ چراکه باعث می‌گردد دسترسی هند به یکی از کانون‌های مهم انرژی جهان که واردات انرژی از آن برای هر سه کشور هند، چین و پاکستان بسیار مقرون‌به‌صرفه و حیاتی است؛ تنها در سایه تهدیدات چین و پاکستان میسر شود (همان).

رویکردهای ژئوپلیتیک چین نسبت به جنوب آسیا تنها محدود به پاکستان نیست. این کشور در تنگه مالاکا نیز به دنبال حفظ برتری خود است و در این راستا سیاست نزدیکی روزافزون با میانمار را در نظر گرفته است. هم‌زمان، بنگلادش که با هند دارای کشمکش‌های سرزمینی است، سیاست نزدیکی نظامی و اقتصادی به چین را در پیش گرفته است؛ و

به این ترتیب منافع ملی هند در تنگه مالاکا را متأثر ساخته است. این تنگه نه تنها یکی از گذرگاه‌های مهم استراتژیک جهان است، بلکه در کنار تنگه‌های هرمز و باب المندب نقش حیاتی در اقتصاد جهان و جنوب آسیا دارد. ضمن اینکه بخش عمده نفتی که از مبدأ قاره آمریکا به کشورهای جنوب آسیا صادر می‌شود، از این مسیر ترانزیت می‌گردد. تسلط چین بر تنگه مالاکا زمینه‌ساز بروز نگرانی‌هایی برای هند شده است، چراکه در غرب منطقه نیز چین به دنبال اعمال نفوذ در شمال دریای عرب است. تسلط چین بر هر دو شاهراه ارتباطی شرق و غرب جهان با جنوب آسیا به این کشور در برابر هند برتری ژئواستراتژیک می‌دهد (شکل ۶) و کشور هند را در زمینه دسترسی امن به منابع عمده انرژی فسیلی و به خصوص نفت خام در معرض تهدید فزاینده قرار می‌دهد (کولکارنی و کریستل ناتان، ۲۰۱۶).



شکل ۶. صحنه رقابت ژئوپلیتیک هند و چین در اقیانوس هند و آرام

منبع: برگرفته شده از dawareblog.com، ۲۰۲۱

چین با گسترش روابط اقتصادی و سیاسی خود با کشورهای سری لانکا، پاکستان، میانمار و بنگلادش که با ارائه تسهیلات زیربنایی اقتصادی در این کشورها همراه بوده است؛ به دنبال آن است تا نفوذ خود را در منطقه ژئواستراتژیک اقیانوس هند گسترش دهد. در این فرآیند، چین از سری لانکا به عنوان یک شریک استراتژیک استفاده می‌کند تا نفوذ خود را بر مسیرهای مبادلات دریایی از اروپا تا آسیای شرقی و مسیرهای انتقال نفت از خاورمیانه تا تنگه مالاکا را افزایش دهد (چودوری، ۲۰۰۷: ۳)؛ و همچنین از کشور پاکستان برای ایجاد یک کریدور ارتباطی استفاده می‌کند تا با ایجاد ارتباط میان غربی‌ترین قلمرو خود با جهان پیرامون، هم مسئله توسعه اقتصادی داخلی در سرزمین‌های غربی چین را تسریع نماید و هم نفوذ خود را در منطقه جنوب آسیا افزایش دهد. مجموعه این عوامل باعث شده است که با وجود برتری ژئوپلیتیک هند در جنوب آسیا، این کشور خود را در معرض تهدیدات عمده‌ای از سوی دو کشور پاکستان و چین ببیند. زیرا این دو کشور با نزدیکی استراتژیک به یکدیگر در تلاش هستند در هر دو سوی قلمروی هند به گسترش نفوذ و

تثبیت قدرت بپردازند، این امر به شکل ویژه‌ای باعث شده است که مسیر دسترسی هند به انرژی در معرض خطر قرار گیرد و متعاقباً امنیت منطقه‌ای جنوب آسیا نیز متأثر شود. به همین علت کشور هند در سال‌های اخیر تلاش داشته است که به سمت همکاری منطقه‌ای با ایران حرکت نماید و در این فرآیند موفق شده است با انعقاد قرارداد همکاری با ایران در زمینه توسعه چابهار یک واکنش ژئوپلیتیک به توسعه بندر گوادر در پاکستان نشان دهد.

۴- مداخله‌گری امریکا و تشدید رقابت هند و چین در جنوب آسیا

گسترش نفوذ اقتصادی و نظامی چین در جنوب آسیا موجب شده است، منافع ژئوپلیتیک امریکا و هند در یک راستا قرار گرفته و این دو کشور بکوشند تا با تقویت توانایی دفاعی هند، ابزارهای دفاعی مناسبی برای سد نفوذ چین در منطقه جنوب آسیا فراهم کنند. در این فرایند، تقویت قدرت دریایی هند که برای نظارت بر مسیرهای انتقال انرژی در جنوب آسیا حیاتی است، بسیار اهمیت دارد (سوریکانت، ۲۰۰۶: ۵). کوهن (۲۰۰۵: ۱۱) بر این باور است امریکا می‌کوشد تا با گسترش روابط با هند مانع از بروز شرایطی شود که در آن چین در منطقه جنوب آسیا برتری استراتژیک داشته باشد. بنابراین، از نظر ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، برای امریکا و هند ممانعت از ایجاد و تثبیت برتری چین در منطقه جنوب آسیا، از اهمیت به سزایی برخوردار است. این در حالی است که چین به دنبال آن است که جایگاه خود را به‌عنوان تنها قدرت مسلط در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی در آسیا تثبیت کند، امری که با واکنش امریکا و هند مواجه شده است (مالک، ۲۰۰۶: ۴). به باور امریکا، این راهبرد چین در نقطه مقابل منافع جهانی امریکا است و همین امر ضرورت مداخله امریکا در مسائل جنوب آسیا را افزایش داده است، امری که در نهایت به بروز تنش‌های ژئوپلیتیک در منطقه جنوب آسیا دامن می‌زند و شکاف‌های میان هند و چین و متحدان منطقه‌ای آنان را گسترش می‌دهد (دوقلویی، ۲۰۰۷: ۷۹).

عواملی مانند مسئله خیزش اقتصادی و امنیتی چین، حرکت چین در دو سوی اقیانوس هند، در معرض تهدید قرار گرفتن منافع امریکا در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس از سوی چین که می‌تواند مسئله تبادل انرژی در جهان را متأثر سازد، وجود منافع امریکا در جنوب آسیا، رقابت‌های ژئوپلیتیک میان سه بازیگر عمده، یعنی هند، پاکستان و چین، همگی امریکا را تشویق نموده است تا نقش فعالی در ساختارهای امنیتی جنوب آسیا به عهده بگیرد و به همکاری استراتژیک با هند بپردازد (شولتن و همکاران، ۲۰۲۰). شایان‌ذکر است، کشمکش‌های سرزمینی موجود میان کشورهای این منطقه باعث شده است مجموعه متنوعی از معاهدات امنیتی، اقتصادی و سیاسی درون منطقه‌ای (نظیر قرارداد همکاری چین و پاکستان برای بهره‌برداری از بندر گوادر) و یا با مشارکت کشورهای فرا منطقه‌ای در جنوب آسیا شکل گیرد که اثرات آن‌ها بر گسترش امنیت جمعی در منطقه جنوب آسیا مثبت نیست. در چنین شرایطی، رقابت‌های متعدد می‌تواند بر مسئله ژئوپلیتیک انرژی، امنیت منطقه‌ای و ژئوپلیتیک دسترسی تأثیرگذار باشد (فلینت و ژو، ۲۰۱۹: ۹۸). به این ترتیب، رقابت‌های منطقه‌ای و ژئوپلیتیک انرژی در جنوب آسیا و به‌خصوص تعارض منافع میان چین، هند و پاکستان نه تنها به صلح منطقه‌ای و شکل‌گیری یک ساختار امنیت منطقه‌ای یاری نرسانده است، بلکه با افزودن بر دامنه رقابت‌ها زمینه را برای نقش‌آفرینی فعالانه امریکا در این منطقه ژئوپلیتیک فراهم کرده است.

نتیجه‌گیری

از دیدگاه ژئوپلیتیک، تأمین انرژی و دسترسی مناسب به آن نقش تعیین‌کننده‌ای در امنیت منطقه‌ای دارد. امنیت منطقه‌ای در جنوب آسیا، تحت تأثیر حضور و نقش‌آفرینی دو کشور هند و چین است که هر دو برای تثبیت و تداوم توسعه اقتصادی وابسته به واردات انرژی هستند. همچنین، مجموعه‌ای از عوامل مانند رقابت‌های ژئوپلیتیک و ژئوپلیتیک

انرژی کشورهای منطقه جنوب آسیا را در ایجاد یک ساختار و نظام مشترک برای تأمین منافع جمعی و ایجاد امنیت منطقه‌ای ناکام نموده است. از طرف دیگر با توجه به منابع کم انرژی موجود در منطقه جنوب آسیا به‌خصوص نفت و گاز و وابستگی کشورهای جنوب آسیا و چین به واردات انرژی فسیلی، امنیت انرژی به موضوع مهمی برای کشورهای این منطقه تبدیل شده است. مهم‌ترین نکته از نظر انرژی، ژئوپلیتیک دسترسی است. بنابراین چندان عجیب نیست که کشورهای منطقه جنوب آسیا نگرانی زیادی در مورد اختلاف در مسیر تأمین انرژی داشته باشند و آن را به‌عنوان یک مسئله امنیتی مدنظر قرار دهند. به‌بیان‌دیگر کشورهای این منطقه به‌صورت پیوسته با مسئله افزایش تقاضای انرژی روبه‌رو هستند، و در نتیجه ناگزیر باید راهبردهایی را موردنظر قرار دهند که با توجه به وابستگی آن‌ها به واردات انرژی، جریان پیوسته و امن انرژی را برای آن‌ها تأمین نماید. میزان منابع انرژی فسیلی زغال‌سنگ، نفت خام و گاز طبیعی این کشورها، نشان می‌دهد مسئله دسترسی به منابع داخلی انرژی در این منطقه تا چه اندازه محدود است؛ و چرا این کشورها نگرانی‌های عمده‌ای در زمینه تأمین انرژی و امنیت مسیرهای دسترسی به آن دارند. محدودیت‌هایی که در زمینه دسترسی به انرژی در این منطقه وجود دارد، موجب شده است که طرح‌های استراتژیک متعددی نظیر خط لوله صلح برای انتقال انرژی از منابع خارج از منطقه در دستور کار کشورهای جنوب آسیا قرار گیرد. با وجود برتری ژئوپلیتیک هند در جنوب آسیا، این کشور خود را در معرض تهدیدات عمده‌ای از سوی دو کشور پاکستان و چین می‌بیند. تسلط چین بر تنگه مالاکا و نزدیکی روزافزون این کشور به پاکستان باعث شده است که هند خود را از هر دو سمت شرق و غرب در معرض تهدید نفوذ فزاینده چین بباید. زیرا دو کشور چین و پاکستان با نزدیکی استراتژیک به یکدیگر در تلاش هستند در هر دو سوی قلمروی هند به گسترش نفوذ و تثبیت قدرت بپردازند، این امر به شکل ویژه‌ای باعث شده است که مسیر دسترسی هند به انرژی در معرض خطر قرار گیرد و متعاقباً امنیت منطقه‌ای جنوب آسیا نیز متأثر شود. پاسخ هند به این رویکرد، تلاش برای گسترش قدرت نظامی و افزایش سطح همکاری‌های نظامی و امنیتی با ایالات متحده آمریکا بوده است. به‌بیان‌دیگر آمریکا با نگرانی از توسعه‌طلبی اقتصادی و سیاسی چین، به دنبال آن است که با تقویت موقعیت هند حداقل باعث ایجاد توازن در منطقه جنوب آسیا شود و به‌این‌ترتیب نفوذ چین در شمال اقیانوس هند را محدود کند. درنهایت، مسئله انرژی باعث شده است که دستیابی به برتری ژئوپلیتیک در منطقه جنوب آسیا، به یک اولویت امنیتی در ژئوپلیتیک جدید هند و چین، تبدیل شود. نتیجه نهایی این رویکرد، شکننده‌تر شدن امنیت منطقه‌ای جنوب آسیا است که باعث تهدید منافع هر دو کشور و همسایگان منطقه‌ای آنان شده است.

تقدیر و تشکر

بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله حامی مالی نداشته است.

منابع

- ۱) احمدی‌پور، زهرا و رشیدی، یونس. (۱۳۹۷). تحلیل ژئوپلیتیک: بازنمایی فضاهای ترس در سینما. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۴ (۲)، ۲۱-۵۵.
- ۲) برژینسکی، زیگنیو. (۱۳۸۶). انتخاب: سلطه یا رهبری. چاپ اول، تهران: نشر نی.
- ۳) پیردشتی، حسن و کمری، مریم. (۱۳۹۵). مناقشات مرزهای دریایی در سواحل شمالی اقیانوس هند. همایش فراوری پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی توسعه در کرانه‌های اقیانوسی جنوب شرق کشور. تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران و وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران.

- ۴) حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۹). یک منطقه ژئوپلیتیکی چگونه تحول می‌یابد؟. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱، ۱-۱۲.
- ۵) درایسدل، آلاسدایر و بلیک، جرالداچ. (۱۳۷۰). جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا. ترجمه: دره میرحیدری. چاپ دوم. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۶) دهشیری، محمدرضا. (۱۳۹۶). تأثیر امنیت منطقه‌ای بر رفتارشناختی مجموعه‌های امنیتی مناطق. فصلنامه سیاست جهانی، ۱۶(۱)، ۴۳-۷۸.
- ۷) ذکی، یاشار و گلفشان، عاطفه. (۱۳۹۴). جهان شهرها و نقشه‌های جدید ژئوپلیتیک. فصلنامه علمی-پژوهشی اطلاعات جغرافیایی (سپهر)، ۲۴(۹۵)، ۶۳-۸۰.
- ۸) سازمند، بهاره و ارغوانی پیرسلامی، فریبرز. (۱۳۹۱). چالش‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای و دکترین ظهور مسالمت‌آمیز چین. فصلنامه روابط خارجی، ۴(۲)، ۱-۱۲.
- ۹) کوهن، سوئل. بی. (۱۳۸۷). ژئوپلیتیک نظام جهانی. ترجمه: کاردان، عباس. تهران: ابرار معاصر.
- ۱۰) مجتهدزاده. پیروز، (۱۳۸۷)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. چاپ اول، تهران: سمت.
- 11) Alam, Q., Alam, F., Chowdhury, H., Sarkar, R., & Paul, A. (2019). A review on the regional collaboration of power utilisation in South Asia. *Energy Procedia*, 160, 11-17.
- 12) Ang, B. W. and Choong, W.L. (2015). Energy security: Definitions, dimensions and indexes. *Renewable and sustainable energy reviews*, 42, 1077-1093.
- 13) Bhaganbti, Mona. (2011). "India – Us Relation – from Negleet to Constructive. *Financial Daily*, April 23.
- 14) Bradnock, B., & Williams, G. (2014). *South Asia in a Globalising World*. London: Routledge.
- 15) Buzan, b. (1999). *People, States and Fear*, translate by Institute for Strategic Studies, Tehran, Institute for Strategic Studies [In Persian].
- 16) Buzan, B., & Waever, O. (2009). Macrosecuritisation and security constellations: reconsidering scale in securitisation theory. *Review of Internatonal Studies*, 35(2), 253-276.
- 17) Chaudhury, D. (2007) "Boosting Maritime Capabilities in the India Ocean. *New Delhi*, August 23.
- 18) Cohen, S. B. (1994). "Geopolitics in the New World Era". Chapter 2 from recording the world, Edited by: George J. Demko and William B. Wood, USA: West View Press.
- 19) Cohen, S. (2005). "The Us and South Asia", www.broking.edu/views/brookingsinstitute.
- 20) Costantini, V. (2007). Security of energy supply: Comparing scenarios from European perspective. *Energy Policy*, 31(1), 210-226.
- 21) Degong, M. (2020). An empirical nexus between exchange rate and China's outward foreign direct investment: Implications for Pakistan under the China Pakistan economic corridor project. *The Quarterly Review if Economics and Finance*. In access at: <https://doi.org/10.1016/j.qref.2020.12.001>
- 22) Flint, C. & Zhu, C. (2019). The geopolitics of connectivity, cooperation, and hegemonic competition: The Belt and Road Initiative. *Geoforum*, 99, 95-101.
- 23) <https://masspeaceaction.org/event/follow-the-pipelines-how-oil-and-pipeline-politics-have-shaped-us-foreign-policy-in-the-middle-east/2021>.
- 24) <http://www.sunday-guardian.com/analysis/what-does-anti-indian-mean> visited in 15/06/2021.
- 25) <https://www.lawfareblog.com/new-great-game-rises-china-and-indias-growing-strategic-rivalry-indo-pacific/2021>.
- 26)
- 27) <https://www.tonymappedit.com/6-maps-that-show-the-top-countries-by-oil-reserves-revenues-production-consumption-export-import/2019>.

- 28) <https://www.smart-energy.com/industry-sectors/policy-regulation/2019-world-energy-markets-observatory>.
- 29) International Monetary Fund. (2020). <https://www.imf.org/en/Publications/WEO/weo-database/2020/October/weoreport?c=512,513,514,534,556,558,564,524,&s=NGDPD,&sy=2019&ey=2025&ssm=0&scsm=1&sc=0&ssd=1&ssc=0&sic=0&sort=country&ds=.&br=1>. Visited in: 09/08/2020.
- 30) Jaschock, M., & Chan, H.M. Vicky. (2009). Education, gender and Islam in China: The place of religious education in challenging and sustaining 'undisputed traditions' among Chinese Muslim women. *International Journal of Educational Development*, 29 (5), 487-494.
- 31) Kulkarni, Sanket.S & Kristle Nathan, Hippu.S. (2016). The elephant and the tiger: Energy security, geopolitics, and national strategy in China and India's cross border gas pipelines. In Access at: <https://doi.org/10.1016/j.erss.2015.09.010>
- 32) Malik, M. (2006). China 's Strategy of Containing India. <http://www.pinr.com/reprot.phpzac=view-report&report-id=434>.
- 33) Nepal, R., & Paija, N. (2019). Energy security, electricity, population and economic growth: The case of a developing South Asian resource-rich economy. *Energy Policy*, 132, 771-781.
- 34) New Geopolitics of China, India, and Pakistan, Insights from a CFR symposium, May 26, 2016.
- 35) Rashidi, Y. (Younes). (2014). The Mediating Role of Cinema in Representation of Hard Power Case Study: The movie "Zero Dark Thirty". *Research on Humanities and Social Sciences*, 4 (12), 128- 135.
- 36) Rashidi, Y., AhmadiPour, Z., Alemi, A., & Bayat, M. (2021). The Role of Geographical Imagination and Geopolitical Representation in Dividing Space/Place into "our" and "their". *Geopolitics Quarterly*, 16 (4), 79-100.
- 37) Rothschild, E. (1995). What is Security?. *Daedalus*, 124(3), 53- 98.
- 38) Scholten, D. (2020). The geopolitics of renewables: New board, new game. *Energy Policy*. 138. March 2020. In access at: <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2019.111059>
- 39) Sieminski, A. (2015). 21ST CENTURY ENERGY MARKETS: HOW THE CHANGING DYNAMICS OF WORLD ENERGY MARKETS IMPACT OUR ECONOMY AND ENERGY SECURIT. Washington: Naval Postgraduate School, Center for Homeland Defense and Security.
- 40) Twining, D. (2007). American 's Grand Design in Asia. *the Washington Quarterly*, 30. (3), 1-12.
- 41) Ullman, R. (1983). Redefining Security. *International Security*, 8(1), 129-153.
- 42) Workman, D. (2020). Top 15 Crude Oil Suppliers to China. In Access at: <http://www.worldstopexports.com/top-15-crude-oil-suppliers-to-china/>
- 43) Worldmetrics.info. (2020). Southern Asia Population. In Access at: <https://www.worldometers.info/world-population/southern-asia-population/>. Visited in 12/09/2020
- 44) Yuan, M., Zhang, H., Wang, B., Huang, L., Fang, K., & Liang, Y. (2020). Downstream oil supply security in China: Policy implications from quantifying the impact of oil import disruption. *Energy Policy*, 136, 111077.